

بررسی تطبیقی کارکرد شهرهای کوچک نوپا با تاکید بر موقعیت مکانی-فضایی (مطالعه موردی: استان گلستان)

حسین عموزادمه‌دیجی^۱، اسماعیل علی‌اکبری^{۲*}، عبدالحمید نظری^۳، مصطفی طالشی^۴

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۴. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Email: aliakbari@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۷ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: سیاست‌گذاران شهری دریافته‌اند؛ برای اینکه توسعه در محدوده سکونتگاه‌های انسانی صورت گیرد، شهرهای کوچک به عنوان حلقه اتصال بین روستاهای پیرامون و شهرهای بزرگتر باید در توسعه محلی، منطقه‌ای و ملی دیده شوند. چون این شهرها می‌توانند شکاف بین مناطق شهری و روستایی را برای ارتقاء موثر کیفیت شهرنشینی پرکنند.

هدف: این مقاله با هدف تبیین و تحلیل، کارکرد شهرهای کوچک نوپا با تاکید بر موقعیت مکانی-فضایی این شهرها در استان گلستان انجام گرفت.

روش‌شناسی: روش انجام پژوهش از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی است. داده‌ها به روش پیمایشی و مبتنی بر پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل: تمام خانوار شهرهای کوچک نوپا و جامعه نمونه شامل ۳۷۹ شهروند می‌باشند.

قلمرو جغرافیایی: قلمرو جغرافیایی پژوهش، شامل تمام ۱۴ شهر کوچک نوپا هستند که بعد از انتزاع استان گلستان از مازندران در سال ۱۳۷۶ در سه ناحیه (دشت شمالی، جلگه میانی و کوهستانی جنوب) به وجود آمدند.

یافته‌ها و بحث: یافته‌های پژوهش از منظر آزمون فریدمن نشان می‌دهد، شهرهای کوچک نوپا در ناحیه دشت شمالی از نظر کارکرد (فرهنگی-مذهبی، اداری-انتظامی، آموزشی) به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۵/۷۹، ۵/۳۶، ۳/۲۵) و ناحیه جلگه میانی از نظر کارکرد (بهداشتی-درمانی و مالی-تجاری) به ترتیب با میانگین (۴/۸۵، ۳/۳۱) بالاترین تغییرات کارکردی را تجربه کردند.

نتیجه‌گیری: نتیجه نهایی اینکه؛ هر چند در بین شهرهای کوچک نوپا، شهر مراوه در ناحیه دشت شمالی و شهر فاضل آباد در ناحیه جلگه میانی از نظر شاخص‌های کارکرد شهری، یک رابطه جدید و پایدار، در بین سکونتگاه‌های ناحیه خود به وجود آوردند؛ ولی برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب و مناسب باید تمامی شهرهای کوچک نوپا بتوانند از تراوش توسعه کارکردی بهره‌مند شوند.

کلیدواژه‌ها: کارکرد شهری، شهرهای کوچک نوپا، موقعیت مکانی-فضایی، استان گلستان.

مقدمه

تجربیات جهانی نشان می‌دهد، حل مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ، در گرو حمایت جدی از مراکز شهری کوچک می‌باشد. جایگاه این شهرها در برنامه‌ریزی فضایی کشورهای در حال توسعه، بخشی از استراتژی‌های توسعه شهری را تشکیل می‌دهد (روستایی و باقری، ۱۳۸۹: ۵). شکل‌گیری شهرهای کوچک مملو از فرصت‌های جدید و کشف نشده‌ای، هستند که شناسایی و بهره‌برداری به موقع از این فرصت‌ها می‌تواند مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای شهروندان به همراه داشته و به توسعه پایدار سکونتگاه‌های محلی بیانجامد (سعیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲). یکی از این فرصت‌های جدید شناسایی کارکردهای مناسب شهری است. کارکردها، مجموعه فعالیت‌ها و روابطی را شامل می‌گردد که با توجه به ویژگی‌های ساختاری موجود، امکان تحقق یابند (سعیدی، ۱۳۹۰: ۲۴). این کارکردها مشتمل بر خدمات، تسهیلات، زیر ساخت‌ها، موسسات و فعالیت‌های اقتصادی است؛ بر این مبنا، شهرها قادرند تسهیلات و کالاهای مصرفی مورد نیاز روستاییان را تامین، خدمات عمومی و خصوصی را مهیا، و زمینه را برای پیوند نواحی روستایی با بازار شهرهای بزرگتر فراهم کنند (طاهرخانی و افتخاری، ۱۳۸۳: ۸۰). شهرهای کوچک دارای کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه‌ای هستند و می‌توانند زمینه را برای توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه فراهم آورند (زیاری و رمضان‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹). تنوع در کارکرد شهری نه تنها در فعالیت‌ها و روابط درونی آنها تأثیرگذار است بلکه در تعیین وسعت و حتی شکل ظاهری و کالبد سکونتگاه‌های شهری نیز نقش تعیین کننده‌ای، دارد (آمار، ۱۳۸۵: ۱۸). در این پژوهش، اصطلاح شهرهای کوچک نوپا، برای توصیف شهرهایی بکار می‌رود که بعد از انتزاع استان گلستان از مازندران در سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۵ به وجود آمدند. در راستای این سیاست تا سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۴ نقطه روستایی به شهر ارتقا یافتند. اگرچه انتظار می‌رفت که با تبدیل آنها به جایگاه شهر، در کنار تغییرات ساختاری، نقش و کارکرد این سکونتگاه‌ها تغییر یابد، اما با توجه به موقعیت مکانی-فضایی شهرهای مورد نظر در نواحی سه‌گانه (دشت شمالی، جلگه میانی و کوهستانی جنوبی)، توزیع متوازنی نداشته‌اند. از این‌روی با توجه به توزیع نامتوازن سکونتگاه‌ها (اعم از شهری و روستایی) و بارگذاری فعالیت‌ها در نواحی سه‌گانه این استان، مسایل و مشکلات در حوزه‌های مختلف محیطی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی عارض شده، که می‌توان مظاهر آن را به صورت بی‌نظمی و ناعادلی در ابعاد ساختاری-کارکردی شهرهای کوچک نوپا استان مشاهده نمود؛ لذا این پژوهش صرفاً با تمرکز بر ابعاد "کارکردی" شهرهای کوچک نوپا انجام گرفت؛ بنابراین، سوال اصلی تحقیق را می‌توان اینگونه بیان نمود: با توجه به موقعیت مکانی-فضایی شهرهای کوچک نوپا استان گلستان در نواحی سه‌گانه، ابعاد کارکردی آنها تا چه اندازه تغییر کرده‌است؟ بدین ترتیب، هدف کلی پژوهش حاضر، شناخت و تحلیل تغییرات کارکردی در شهرهای کوچک نوپا نواحی سه‌گانه استان گلستان می‌باشد.

بنیان نظری این تحقیق بر پویای ساختاری-کارکردی بنا شده‌است که یکی از مهمترین رکن آن رویکرد سیستمی می‌باشد. جغرافیدانان، از همان ابتدای ظهور علم جغرافیا، به شکل‌های مختلف روش سیستمی را بکار گرفته و با نگرش سیستمی به تجزیه و تحلیل مسایل پرداخته‌اند (تقدیسی و هدایتی مقدم، ۱۳۹۰: ۷). پیروان نگرش سیستمی معتقدند، تا زمان طرح نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، به شهر همچون کلیتی متشکل از اجزاء گوناگون نگریسته نمی‌شد و جنبه کالبدی آن تسلط داشت؛ اما با نگرش سیستمی، حرکت جدیدی از جنبه‌های کالبدی به سمت جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفت (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۷۳). شهر یک سیستم باز است که روابط مختلفی را با محیط اجتماعی-اقتصادی خود شکل می‌دهد؛ از این‌رو، هر گونه تحلیل از ساختار عملکردی مراکز شهری و تاثیر آنها بر محیط اطراف باید از رویکرد سیستمی پیروی کند (بوندا سکی و یانوش، ۲۰۲۲: ۳). بعد از مطرح شدن رویکرد سیستمی، از میان همه مکتب‌های فلسفی و اجتماعی که به طور مستقیم و غیر مستقیم در مطالعات جغرافیایی تاثیر داشته‌اند، شاید مکتب کارکردگرایی در ردیف محدود تفکرات فلسفی است که در تئوری، روش کار، مباحثات فلسفی و تجربی علم جغرافیا، علوم سیاسی، مردم شناسی و علوم اجتماعی بیش از همه دخالت داشته‌است (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۹۸). جغرافیدانان کارکردگرا در مطالعات خود در پی نشان دادن این مطلب هستند که چگونه در یک کل، اجزاء مختلف با

هم پیوند و وحدت یافته‌اند (محمودیان، ۱۳۸۴: ۱۴۹). در این نگرش پدیده‌ها به عنوان جزئی از یک کل بزرگتر نگریده می‌شوند و تشریح پدیده‌ها بر حسب نقش و عملکردی که در آن سیستم بزرگ‌تر دارند، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (آمار، ۱۳۸۵: ۱۶). اهمیت اجتماعی و اقتصادی شهرها عمدتاً ناشی از کارکردهایی است که در نظام‌های سکونتگاهی انجام می‌دهند و عملکردشان، جایگاه آنها را در سلسله مراتب سکونتگاه‌های دیگر تعیین می‌کند (بوگدانسکی، ۲۰۲۱: ۱۸۸). بنابراین کارکرد یک سکونتگاه، ثابت و ایستا نبوده و در جریان زمان، دگرگون می‌شود. این تحول می‌تواند متأثر از عوامل درونی و بیرونی باشد. تغییر در کارکرد یک سکونتگاه متأثر از عوامل بیرونی به صورت گسترده و سریع خواهد بود و به تناسب نفوذ جریان تاثیرگذار، امکان از بین بردن کارکردهای قبلی یا ایجاد تغییرات اساسی در آنها وجود خواهد داشت؛ بنابراین در گذر زمان یک سکونتگاه دارای کارکردهای متعددی خواهد شد که نقش عمده‌ای را در پایداری، حیات، رشد و توسعه سکونتگاه خواهد داشت (آمار، ۱۳۸۵: ۱۲). مروری بر عقاید و افکار جغرافیدانان در دو قرن اخیر (که به سه گروه ذیل تقسیم شدند)، بر پذیرش کارکردگرایی به عنوان یک مکتب فکری از سوی اندیشمندان این علم صحنه می‌گذارد.

۱- عقاید افرادی چون دولابلاش (۱۹۱۸-۱۸۴۵)، آلبرت دمانژن (۱۹۴۰-۱۸۷۲)، ژان برون (۱۹۳۰-۱۹۶۹) و هارتشون (۱۹۹۲-۱۸۹۹) که قلمرو مطالعات جغرافیا- یا همان ناحیه- را یک واحد کارکردی به شمار می‌آوردند (آمار، ۱۳۸۵: ۱۵).

۲- در نیمه دوم قرن بیستم، عقاید جغرافیدانان انگلیسی مثل خانم لمبتون^۵، کلات^۶، تروپ^۷ و چیشولم^۸ به عنوان مثال: کلات به بررسی تغییر زندگی روستایی به شهری می‌پردازد و با این کار در واقع به بررسی تغییرات کارکردی روستاها در پرتو ارتباط با شهر توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. تاکید لمپتون بر چگونگی بهره‌گیری از تحقیقات زراعی در روستاها در رابطه با نظام مالکیت، می‌تواند یک بررسی کارکردی و تخصصی از تحقیقات روستایی باشد که مشابهت روش تحقیقی آن در کار معاصرانش نیز دیده می‌شود (بهفروز، ۱۳۶۸: ۳۷).

۳- در سه دهه اخیر اهمیت بررسی مسایل اجتماعی و اقتصادی در پرتو محوریت‌هایی مثل: صنعتی شدن روستاها، افزایش ارتباط شهر و روستا، شهرگرایی جوامع روستایی، تغییر کارکردی سکونتگاه‌های روستایی از کشاورزی به نقش‌های صنعتی، تجاری، خدماتی، خوابگاهی، توریستی و... نمایانگر قرابت شدید محتوای مطالعات جغرافیا به نگرش‌های کارکردی دارد. آراء، عقاید و محورهای مطالعاتی افرادی مثل می‌هیو، جردن و رانتیری و هاج و ویت بای تنها مصادیق کوچکی از این گرایش‌ها می‌باشد (بهفروز، ۱۳۶۸: ۳۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ - Vidal de labblache

² - Albert Demangeon

³ - John Brown

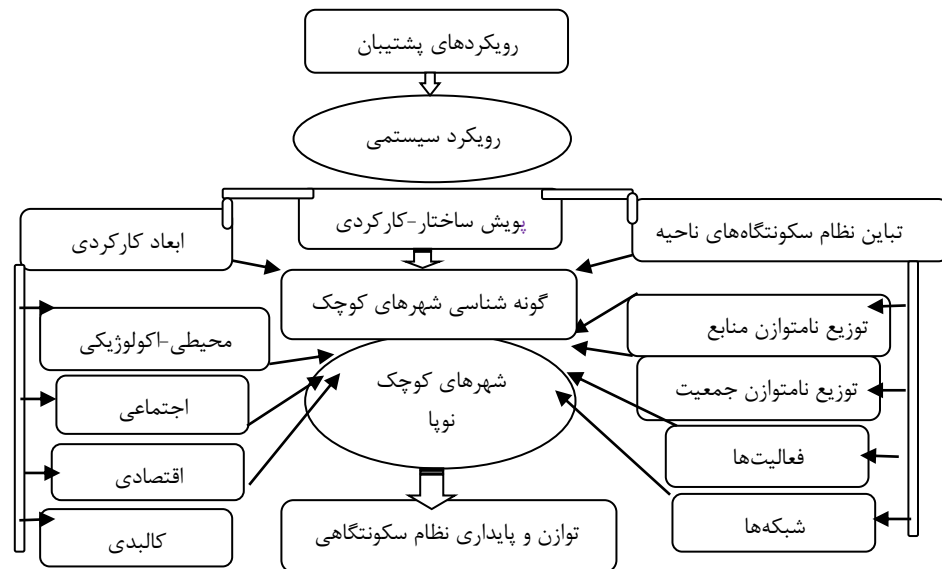
⁴ - Richard Hartshorn

⁵ - Lampto

⁶ - Clout

⁷ - Chisholm

⁸ - Thrope



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

مطالعه سوابق موضوع مورد مطالعه در سطح جهان و ایران نشان می‌دهد، تحقیقات زیادی در ارتباط با کارکرد شهرهای کوچک انجام گرفته است. هاردوی و ساترد وایت (۱۹۸۶)، در کتابی تحت عنوان، نقش شهرهای کوچک و متوسط در توسعه ملی و منطقه‌ای در جهان سوم، بر عدم تجانس شهرهای کوچک و متوسط با شهرهای بزرگ و نقش مهم و کلیدی شهرهای کوچک و متوسط در کنترل اداری سیاسی و نظامی منطقه، معتقد بودند. کورتنی و همکاران (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان، شهرهای کوچک به صورت زیر مجموعه در توسعه روستایی انگلیس، به این نتیجه رسیدند، شهرهای کوچک برای پسرانه خود شرایط اشتغال و خدمات بانکی و مالی فراهم می‌کند؛ در حالی که فعالیت‌های کشاورزی به عنوان پیوند اقتصادی شهر و روستا همچنان پابرجاست. پی یون (۲۰۰۸)، در تحقیق خود بر روی شهرهای کوچک به این نتیجه رسید؛ شهرهای کوچک مکان‌های مناسبی برای توسعه کانون‌های زیستی بوده و مهاجران روستایی را در برخی فعالیت‌های صنعتی و خدماتی جذب نموده و مانع حرکت آنها به شهرهای بزرگ منطقه می‌شود. لانگ^۴ (۲۰۱۱)، در تحقیقی تحت عنوان، تحلیل توسعه تحول روستایی در چین در هزاره سوم جدید، نتیجه می‌گیرد. دولت مرکزی چین دستیابی به توسعه هماهنگ در مناطق شهری و روستایی توجه ویژه داشته و شهرهای کوچک توانسته‌اند، قسمتی از نیروی کاری مازاد بخش کشاورزی را به خود جذب کرده و نقش مهمی در اشتغال روستاییان داشته‌اند. والتنبرگ^۵ و همکارانش (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان، انتخاب شاخص‌ها برای توسعه پایدار شهرهای کوچک نمونه موردی شهر والمیرا، به این نتیجه رسیدند؛ شاخص‌های توسعه پایدار، ضمن ارتباط با اولویت‌های یک شهر، باید با مسائلی که شهر در آینده به آن‌ها مواجه خواهد شد، مرتبط باشند. شاخص‌هایی در مورد حمل و نقل عمومی و دسترسی به خدمات محله مانند (سلامت، رفاه، زیست محیطی و...) آکویانلو^۶ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان، پتانسیل‌های پیوند روستایی-شهری برای توسعه و تجارت درازمدت، معتقد است؛ پیوند روستاها و شهرهای کوچک نقش حیاتی در تولید درآمد، اشتغال‌زایی و ثروت ایفا می‌کنند؛ به این ترتیب، پیوند قوی روستایی-شهری نیز می‌تواند، نقش مهمی در کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه بازی کند. بوگدانسکی و پانوش^۷ (۲۰۲۲)، در تحقیقی

^۱ - Satterthwaith^۲ - Coutney^۳ - Puwen^۴ - Long^۵ - Valtenbergs^۶ - Akkoyunlu

تحت عنوان، کارکردهای شهرهای کوچک به عنوان یک تعیین کننده استاندارد زندگی در طبقات روستایی لهستان، به این نتیجه رسیدند؛ استاندارد زندگی که در مناطق روستایی، معمولاً با افزایش تعداد عملکردهای انجام شده، توسط شهرهای کوچک بهبود می‌یابد؛ علاوه بر این، ساختار این کارکردها بر شرایط زندگی جمعیت روستایی تأثیر گذاشت؛ با این حال، با توجه به شرایط نسبتاً سخت اقتصادی-اجتماعی منطقه‌ای، کاهش نابرابری‌های موجود در استاندارد زندگی در آینده دشوار خواهد بود.

زهره فنی(۱۳۷۵) در رساله دکترای خود با عنوان، بررسی کارکردهای شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای(مورد: منطقه خوزستان) به این نتیجه رسید؛ شهرهای کوچک در منطقه مورد مطالعه، می‌توانند به توزیع ارائه کارکردهای اقتصادی(خدماتی، کشاورزی و صنعتی) متناسب با ساختار شهری و جمعیتی خود اقدام کنند؛ و لذا در بهبود و توسعه کل منطقه از یک طرف و حوزه نفوذ روستایی خود از طرف دیگر، تأثیرگذار باشند. ضرابی و موسوی(۱۳۸۸)، در تحقیقی تحت عنوان، بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای(مطالعه موردی: استان یزد)، به این نتیجه رسید، آنچه که عملکرد این شهرها را در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای کم رنگ نموده‌است، عدم وجود شهر میانی ۱۰۰ تا ۲۵۰ (هزار نفر جمعیت) در سلسله مراتب شهری و تمرکز شدید امکانات و خدمات در شهر یزد بوده است. تقویت شهرهای کوچک و تزریق سرمایه به آنها می‌تواند راهکار مناسبی برای نیل به ساختار فضای متعادل در سطح استان باشد. اکبریان رونیزی و همکاران(۱۳۹۲)، در مقاله، نقش شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی روستاهای پیرامون، مطالعه موردی: بخش رونیز-شهرستان استهبان، به این نتیجه رسیدند؛ شهر رونیز در دو حوزه تفریح و اوقات فراغت و نیز حوزه اشتغال و درآمد موفق نبوده اما در حوزه‌های کیفیت محیط، مسکن، سلامت و بهزیستی، همبستگی، تثبیت جمعیت، فرهنگ و آموزش و کیفیت زیرساخت‌ها توانسته در روستاهای پیرامون بهبود حاصل نماید. ملکی و همکاران(۱۳۹۴)، در تحقیقی تحت عنوان ارزیابی کارکردهای شهرهای کوچک در نظام شهری استان لرستان با استفاده از مدل‌های ضریب کشش پذیری، TOPSIS و L.Q به این نتیجه رسیدند؛ طبق مدل ضریب مکانی نقش غالب این شهرها کشاورزی می‌باشد و نقش صنعتی و خدماتی این شهرها رد می‌شود؛ که دلیل اصلی آن توجه کمتر به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و خدمات می‌باشد. قادر مرزی و رحمانی(۱۳۹۸)، در بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه فضایی منطقه‌ای(نمونه موردی شهر دهگلان)، به این نتیجه رسیدند؛ شهر دهگلان در بخش‌های کشاورزی و صنعت به ترتیب با ۱/۶۷ و ۱/۱۷ دارای اقتصاد پایه و در بخش خدمات دارای اقتصاد غیر پایه می‌باشد. این مساله با توجه به نقش مرکزیت شهر دهگلان در سطح شهرستان نشان دهنده، وضعیت نامطلوب این شهر در تامین خدمات و امکانات برای محدوده خودش می‌باشد. نصیری مقدم و همکاران(۱۴۰۱)، در بررسی نقش و کارکرد شهرهای کوچک در سهولت خدمات رسانی به نواحی روستایی شهرستان رودبار، به این نتیجه رسیدند؛ در بین سکونتگاه‌های شهری رودبار، بخش کشاورزی و صنعت دارای عملکرد بهتری نسبت به بخش خدمات بوده‌است. بر این اساس شهرهای رودبار، توتکابن، جیرنده، بره سر و رستم آباد صادر کننده محصولات کشاورزی و شهرهای منجیل و لوشان وارد کننده این محصولات هستند. در بخش صنعت هم لوشان، جیرنده و بره سر صادر کننده محصولات صنعتی بوده و دیگر شهرها وارد کننده آن هستند و در نهایت در بخش خدمات بجز شهرهای لوشان، منجیل و رستم آباد که صادر کننده خدمات هستند، سایر شهرها وارد کننده خدمات هستند.

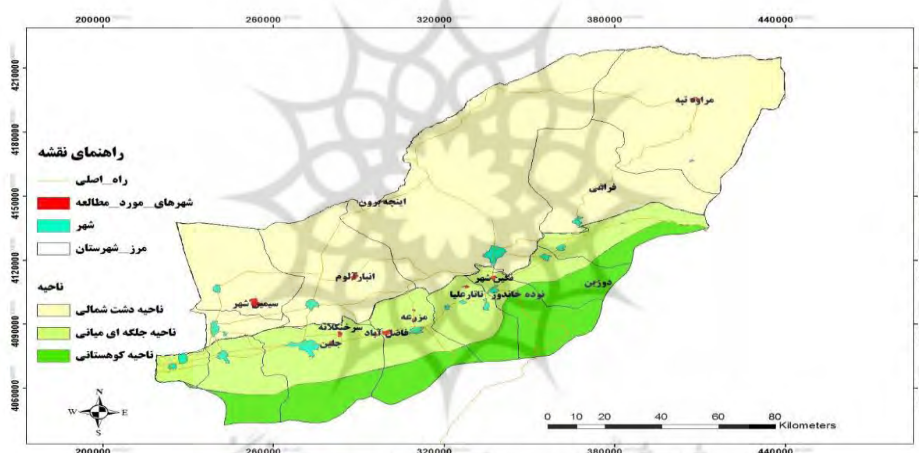
روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی و با رویکرد اثبات‌گرایی است. گردآوری داده‌ها و اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته، مصاحبه و مشاهدات میدانی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۰۵۷۳ خانوار شهری و حجم نمونه ۳۷۹ خانوار می‌باشند. اما نظر به تعدد زیاد جامعه مذکور و همگنی آنها با استفاده از جدول کوکران، حجم نمونه محاسبه و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. شایان ذکر است. برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌ها از روایی صوری و نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران شهری در

سطح استان و هم چنین اساتید دانشگاهی دارای تخصص در حوزه برنامه‌ریزی شهری و روستایی استفاده شد. بعلاوه برای سنجش میزان پایایی سؤالات پرسش‌نامه، از نظرات ۲۰ نفر از اساتید دانشگاه و کارشناسان و صاحب نظران شهری استفاده شد و سپس نتایج به‌دست‌آمده طبق فرمول آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت که میزان آن برابر با ۰/۸۶۳ به دست آمد. برای ارزیابی و تحلیل استنباطی از آزمون‌های تی تک نمونه، تحلیل واریانس یک طرفه (Anova)، و برای رتبه بندی از آزمون فریدمن در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان گلستان با وسعت ۲۰۴۳۰/۹۲ کیلومتر مربع، از نظر موقعیت جغرافیایی در ۳۶ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ در بخش شمالی کشور واقع شده‌است (صحنه و معماری، ۱۸۰۱۳۹۶). بر اساس آخرین اطلاعات تقسیمات کشور سال (۱۳۹۵)، این استان دارای ۱۴ شهرستان، ۲۷ بخش، ۳۰ نقطه شهری، ۶۰ دهستان و ۱۰۴۹ آبادی می‌باشد. که از این تعداد ۱۴ نقطه شهری مربوط به شهرهای کوچک نوپا می‌باشد که بعد از انتزاع استان گلستان از استان مازندران در سال ۱۳۷۶ بوجود آمدند، و از لحاظ توزیع فضایی ۵ شهر کوچک نوپا (اینچه برون، مراوه تپه، سیمین شهر، فراغی و انبارالوم) در ناحیه دشت شمالی، ۸ شهر (جلین، سرخنکلاته، قرق، سنگدوین، مزرعه، فاضل آباد، تاتار علیا و نگین شهر) در ناحیه جلگه میانی و شهر (نوده خاندوز) در ناحیه کوهستانی جنوب پراکنده هستند.



شکل ۲. نقشه پراکندگی شهرهای کوچک نوپا استان گلستان در نواحی سه گانه

یافته‌ها و بحث

تبیین کارکرد شهرهای کوچک نوپا، در نواحی سه‌گانه استان گلستان، ابتدا مستلزم شناخت این خدمات در بازه زمانی قبل از شهر شدن یعنی ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۵ و مقایسه سرانه کارکرد این شهرها است؛ زیرا این امر می‌تواند به توصیف دقیق‌تر ابعاد کارکردی و چگونگی فعالیت‌های شهرهای مورد نظر کمک کند. و در نهایت با انجام آزمون‌های آماری مختلف مبتنی بر داده‌های کیفی امکان درک بهتر از یافته‌های استنباطی را فراهم آورد.

خدمات آموزشی: خدمات آموزشی در برگزیده مراکز (مهدکودک و پیش‌دبستانی، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، هنرستان، نهضت سوادآموزی، مراکز فنی و حرفه‌ای، حوزه علمیه و مراکز دانشگاهی) می‌باشد. تعداد (۱۴۲) واحد، موسسات آموزشی با مساحت (۴۹۳۱۴۳) متر مربع با سرانه (۴/۶) متر مربع برای هر نفر در بین شهرهای کوچک نواحی سه‌گانه وجود دارد. سرانه این کاربری در بازه زمانی (۱۳۷۵-۱۳۹۵) در ناحیه دشت شمالی از (۷/۲ به ۶/۱) متر مربع رو به کاهش بوده است که دلیل عمده آن افزایش جمعیت ۳۳ درصد در این ناحیه است. با این حال هنوز این ناحیه دارای بالاترین سرانه آموزشی در بین نواحی سه‌گانه است. که دلیل عمده آن بزرگ مقیاس بودن مراکز آموزشی در این

ناحیه می‌باشد. اما در ناحیه جلگه میانی این مقدار از (۲/۳ به ۳/۸) و در ناحیه کوهستانی جنوب از (۱/۴ به ۲) نفر افزایش یافته است. که مقدار این سرانه با سرانه استاندارد در ایران (۳-۵) متر مربع فاصله معناداری دارد جدول (۱). در بین شهرهای کوچک نوپا، شهر (اینچه برون) در ناحیه دشت شمالی با سرانه (۱۸/۴) مترمربع دارای بالاترین سرانه، که دلیل اصلی آن داشتن جمعیت پایین و بزرگ مقیاس بودن خدمات آموزشی در این شهر می‌باشد. در مقابل شهرهای (سنگدین و نگین شهر) در ناحیه جلگه میانی به ترتیب با (۲/۹، ۲/۸) متر مربع و شهر نوده خاندوز با سرانه (۲) متر مربع پایین‌تر از سرانه استاندارد می‌باشند.

خدمات بهداشتی-درمانی: خدمات بهداشتی-درمانی در برگیرنده (مراکز بهداشتی درمانی، مطب پزشک عمومی و متخصص و دندانپزشک، داروخانه خصوصی و شبانه‌روزی، مجتمع بهزیستی، اورژانس جاده‌ای، دامپزشکی و داروخانه دامی و آزمایشگاه) می‌باشد. در بین شهرهای کوچک نوپا در نواحی سه‌گانه، بالغ بر (۱۰۴) موسسه بهداشت و درمان با مساحت (۱۳۲۳۵۲) متر مربع با سرانه (۱/۲) وجود دارد که با سرانه استاندارد (۱-۱/۵) مترمربع مطابقت دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بین نواحی سه‌گانه، ناحیه دشت شمالی با سرانه (۱/۵) مترمربع با سرانه استاندارد (۱-۱/۵) مترمربع برابری می‌کند که دلیل اصلی آن به خاطر وجود بیمارستان لقمان در شهر مراوه می‌باشد در مقابل ناحیه (جلگه میانی و کوهستانی جنوب) به ترتیب با (۱/۱، ۰/۶) متر مربع از سرانه مطلوبی برخوردار نیستند که عمده دلیل آن نزدیکی به شهرهای بزرگ و وجود خدمات برتر در این شهرها می‌باشد جدول (۱). در بین شهرهای کوچک نوپا، شهر مراوه با سرانه (۳/۳) دارای تمام سطوح خدمات بهداشتی-درمانی (خانه بهداشت تا بیمارستان) و شهرهای (انبارلوم و فراغی) در ناحیه دشت شمالی، شهرهای (جلین، سرخنکلاته، تاتارعلیا و نگین شهر) در جلگه میانی و نوده خاندوز در کوهستانی جنوب سرانه‌ی پایین‌تر از استاندارد دارند.

خدمات فرهنگی- مذهبی و ورزشی و تفریحی: خدمات فرهنگی شامل (موسسات فرهنگی-هنری، سالن همایش و کتابخانه)، خدمات مذهبی عمدتاً شامل (مصلی، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، امامزاده‌ها و عیدگاه) و خدمات ورزش شامل (سالن و زمین ورزشی) می‌باشد. در بین شهرهای کوچک نوپا، تعداد ۲۵۶ خدمات فرهنگی- مذهبی و ورزشی و تفریحی با مساحت (۲۵۱۰۲۵) مترمربع با سرانه (۲/۳) مترمربع وجود دارد. متوسط سرانه این خدمات در بین نواحی سه‌گانه متفاوت می‌باشد. بالاترین میزان تغییرات این سرانه در این بازه زمانی مربوط به ناحیه کوهستانی جنوب است که از ۲ متر مربع در سال ۱۳۷۵ به ۱۱ متر مربع در سال ۱۳۹۵ رسید. هر چند این ناحیه از لحاظ خدمات فرهنگی و ورزشی شرایط مطلوبی ندارد اما بالا بودن سرانه این خدمات به دلیل الحاق پارک شیم با وسعت ۸۰۰۰۰ متر مربع به شهر نوده خاندوز می‌باشد جدول (۱).

خدمات اداری و انتظامی: موسسات اداری در برگیرنده (شهرداری، بخشداری، شورای اسلامی، جهاد کشاورزی، آموزش و پرورش، منابع طبیعی و آبخیزداری، دامپزشکی، بنیاد مسکن، کمیته امداد، امور عشایر، آب و فاضلاب، برق، مخابرات، پست، خدمات الکترونیکی دولت و دفتر شهرک صنعتی) و خدمات انتظامی شامل دو بخش اداری که در برگیرنده (پاسگاه انتظامی، پایگاه بسیج و پلس + ۱۰) و موسسات حقوقی در برگیرنده (دادگاه، شورا حل اختلاف، دفتر ثبت اسناد و املاک و دفتر ازدواج و طلاق) می‌باشند. در بین شهرهای کوچک نوپا در نواحی سه‌گانه، ۱۷۳ خدمت اداری-انتظامی با مساحت (۳۳۰۳۳۵) متر مربع و با سرانه (۳/۱) متر مربع وجود دارد. که از این تعداد، ۱۱۸ مورد مربوط به خدمات اداری و ۵۵ مورد مربوط به خدمات انتظامی-حقوقی می‌باشد. بررسی و مقایسه موسسات اداری-انتظامی در بین نواحی سه‌گانه، نشان می‌دهد، سرانه این خدمات در این نواحی نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش پیدا کرد به طوریکه بالاترین افزایش سرانه مربوط به ناحیه دشت شمالی از (۲/۴) مترمربع به (۵/۸) متر مربع بوده است که دلیل اصلی آن وجود ادارات مختلف و همچنین پاسگاه انتظامی با مساحت زیاد در این ناحیه می‌باشد جدول (۱). در بین شهرهای کوچک نوپا، شهر (مراوه) با سرانه (۱۳/۶) متر مربع دارای بالاترین سرانه نسبت به شهرهای دیگر می‌باشد، علت اصلی آن به خاطر مرکز شهرستان و بخش بودن و به تبع آن دارا بودن تمام خدمات اصلی اداری و انتظامی با سطح اثرگذاری فراشهری و بعضاً منطقه‌ای می‌باشد. بعد از آن شهر (فاضل آباد) در ناحیه جلگه میانی دارای وضعیت

مطلوبی، در مقابل شهرهای کوچک (انبارالوم) در ناحیه دشت شمالی و شهرهای (جلین، سنگدوین، مزرعه) در ناحیه جلگه میانی دارای سرانه‌ی کمتر از استاندارد می‌باشند.

خدمات مالی-تجاری: خدمات مالی در برگیرنده (بانک‌های دولتی و خصوصی، موسسات مالی و اعتباری، صندوق قرض‌الحسنه و عابر بانک)، خدمات تجاری در برگیرنده (خواربار فروش، میوه فروشی، پروتئین (مرغ و لبنیات)، سوپر مارکت، اغذیه فروشی، قهوه‌خانه، شیرینی سرا، قصابی، فروشگاه پارچه و پوشاک، کیف و کفش، لوازم و التحریر و کتاب، طلافروشی، موبایل فروشی ابزارایراق، لوازم خانگی، بازی‌های کامپیوتری، قطعات خودرو، مصالح ساختمانی و آهن آلات فروشی) و موسسات خدماتی-تجاری در برگیرنده (تعمیرگاه‌های خودروهای سبک و سنگین، جوشکاری، درب و پنجره سازی، نانوایی، خیاطی، آرایشگری، عکاسی، خشکشویی، تعمیرگاه لوازم خانگی، آشپزخانه مرکزی و بنگاه‌های معاملاتی می‌باشند. در مجموع تعداد (۳۹۴۴) خدمت تجاری-مالی با مساحت (۳۴۸۶۳۶) متر مربع در نواحی سه‌گانه وجود دارد که از این تعداد (۱۰۸) خدمت مربوط به مالی و ۳۸۳۶ خدمت مربوط به موسسات خدماتی-تجاری می‌باشد. به طور متوسط سرانه این خدمات در بین شهرهای کوچک نواحی سه‌گانه (۳/۳) متر مربع است. در حالی که سرانه استاندارد این خدمت (۲) متر مربع می‌باشد؛ بنابراین هر سه ناحیه دارای سرانه‌ی بالاتر از استاندارد، دارند. در بین نواحی سه‌گانه، ناحیه جلگه میانی، هم از لحاظ سرانه (۳/۶) و هم از لحاظ درصد خدمات مالی-تجاری (۵۸/۱) درصد نسبت به دو ناحیه دیگر وضعیت مطلوبتری دارد که دلیل اصلی آن به خاطر قرار گرفتن این ناحیه در مسیر کریدور استان مازندران و خراسان شمالی می‌باشد. در بین شهرهای کوچک نوپا، شهر (فاضل آباد) در ناحیه جلگه میانی به تنهایی با دارا بودن (۶/۶) مترمربع سرانه و (۱۹/۵) درصد خدمات مالی-تجاری دارای وضعیت مطلوب در بین تمام شهرهای کوچک نوپا دارد. فقط شهرهای (انبارالوم، اینچه برون و فراغی) دارای سرانه کمتر از استاندارد می‌باشند که همگی این شهرها در ناحیه دشت شمالی قرار دارند.

جدول ۱. وضعیت سرانه کارکرد خدمات شهرهای کوچک نوپا (۱۳۷۵-۱۳۹۵)

ناحیه	آموزشی		بهداشتی-درمانی		فرهنگی-ورزشی		اداری-انتظامی		تجاری-مالی	
	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵
سرانه استاندارد خدمات شهری در شهرهای زیر ۵۰۰۰ نفر	۲-۵		۱-۱/۵		۱/۰-۵/۵		۱-۲		۲	
دشت شمالی	۷/۲	۶/۱	۱/۰۲	۱/۵	۱/۳	۳/۵	۲/۴	۵/۸	۲/۶	۳/۱
جلگه میانی	۲/۳	۳/۸	۰/۷	۱/۱	۰/۸	۱/۲	۰/۵	۱/۴	۲/۸	۳/۶
کوهستانی جنوب	۱/۴	۲	۰/۶	۲	۱۱	۰/۵	۲/۵	۱/۴	۲	

با توجه به ارزیابی خدمات شهری و تفاوت‌های ابعاد کارکردی شهرهای کوچک نواحی سه‌گانه، برای تحلیل آماری مذکور در گام اول، از آزمون T تک نمونه‌ای به بررسی و ارزیابی شهرهای کوچک نوپا به لحاظ برخورداری از مولفه‌های کارکرد شهری، پرداخته شد. با توجه به نتایج بدست آمده از این آزمون، سطح معناداری محاسبه شده برای تمام گویه‌ها، کمتر از ۰/۰۵ درصد و همچنین مقدار آماره آزمون از حد وسط (۳) بزرگتر است؛ بدین معنا که از دید شهروندان، شهرهای کوچک نوپا بعد از تبدیل شدن به شهر از لحاظ برخورداری از مولفه‌های کارکردی، وضعیت مطلوبی را تجربه کردند. میزان اثر بخشی هر یک از این مولفه‌ها، در کارکرد شهری با مقایسه میانگین با حد مبنای (۳) مورد سنجش قرار گرفت. هر چه این مقدار میانگین بیشتر از ۳ باشد. اثر بخشی کارکردی آن در شهرهای کوچک نوپا بیشتر است. به عبارتی، شهرهای کوچک از لحاظ برخورداری از مولفه، دریافت خدمات انتظامی با میانگین (۳/۷۰) و خدمات پزشکان بخش خصوصی با میانگین (۲/۳۹) به ترتیب دارای وضعیت مطلوب و نامطلوب هستند جدول (۲).

جدول ۲. نتایج سطح معناداری مولفه‌های کارکرد شهرهای کوچک نوپا با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

مؤلفه	تعداد	میانگین	آماره	سطح معناداری	انحراف استاندارد
کارکرد ها	کاهش تمایل جهت تحصیل در سطوح بالاتر در شهرهای دیگر	۲/۹۶	۵۸/۸۰۰	۱/۰۱۶۴۷	
	کاهش تمایل برای کلاس های خصوصی در شهرهای دیگر	۲/۶۹	۵۷/۸۶۸	۰/۹۰۴۵۲	
	تمایل به ادامه تحصیل در دانشگاه های سایر شهرها	۲/۹۷	۵۶/۹۱۹	۱/۰۱۵۲۵	
	کیفیت ارائه خدمات مراکز بهداشتی درمانی دولتی شهر	۳/۳۰	۶۷/۷۷۰	۰/۹۴۷۴۴	
	کیفیت ارائه خدمات پزشکان بخش خصوصی شهر	۲/۳۹	۴۹/۶۸۱	۰/۹۳۷۷۸	
	کیفیت ارائه خدمات آزمایشگاهی و داروخانه شهر	۲/۷۰	۵۱/۷۷۵	۱/۰۱۶۹۲	
	کاهش مراجعات اعضای خانوار به شهرهای دیگر	۳/۵۲	۷۰/۸۰۵	۰/۹۶۸۵۰	
	کیفیت ارائه خدمات فرهنگی (کانون فرهنگی، کتابخانه) شهر	۳/۲۸	۶۸/۹۲۷	۰/۹۲۳۳۳	
	کاهش مراجعات خدمات فرهنگی به شهرهای دیگر	۳/۱۷	۶۱/۷۵۵	۰/۹۹۹۸۸	
	کیفیت ارائه خدمات ورزشی شهر	۳/۴۳	۶۹/۷۴۶	۰/۹۵۸۱۶	
اداری و انتظامی	ارائه خدمات موسسات تفریحی (پارک و مراکز تفریحی) شهر	۳۷۹	۵۳/۴۶۰	۱/۰۳۱۹۳	۰/۰۰۰
	کاهش تمایل جهت دریافت خدمات اداری سایر شهرها	۳/۵۱	۷۲/۸۱۸	۰/۹۳۸۱۹	
	کاهش دریافت خدمات اداری سایر شهرها	۳/۵۰	۶۴/۹۵۸	۱/۰۴۷۴۶	
	کاهش دریافت خدمات دادگستری سایر شهرها	۲/۵۱	۴۳/۷۲۹	۱/۱۱۸۲۷	
	کاهش دریافت خدمات انتظامی سایر شهرها	۳/۷۰	۶۹/۶۹۰	۱/۰۳۱۸۹	
	کاهش مراجعات اعضای خانوار جهت دریافت موسسات مالی و اعتباری (بانک ها و ..) به شهرهای دیگر	۳/۳۵	۵۷/۶۰۴	۱/۱۳۱۵۹	
	کاهش مراجعات جهت دریافت موسسات تجاری به شهرهای دیگر	۳/۰۸	۶۲/۸۴۹	۰/۹۵۴۶۱	
	کاهش مراجعات جهت دریافت خدمات تعمیرگاهی به شهرهای دیگر	۳/۱۷	۶۰/۳۳۴	۱/۰۲۲۴۹	

در گام دوم، برای سنجش تغییرات کارکردی در بین شهرهای کوچک نواحی سه‌گانه، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (آنووا)، استفاده شد. در آزمون آنووا، بیش از همه دو عامل (آماره F و سطح معناداری Sig)، مهم هستند. از آنجایی که سطح معناداری همه کارکردها کمتر از $0/05$ می‌باشد به این معناست؛ که بین نواحی سه‌گانه از لحاظ کارکرد شهری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین آماره F مشخص می‌کند که فرض صفر، یعنی برابری میانگین‌ها، رد می‌شود و تفاوت معناداری بین نواحی سه‌گانه وجود دارد جدول (۳).

جدول ۳. سنجش تغییرات کارکردی در بین شهرهای کوچک نواحی سه‌گانه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (آنووا)

سطح معناداری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	گروه ها	کارکردها
۰/۰۰۰	۴۸/۸۱۳	۱۵۱/۴۰۳	۲	۳۰۲/۸۰۶	بین گروه ها	
		۳/۱۰۲	۳۷۶	۱۱۶۶/۲۳۹	درون گروه ها	آموزشی
		۳۷۸		۱۴۶۹/۰۴۵	کل	
۰/۰۰۰	۴۳/۸۶۳	۲۰۱/۵۲۳	۲	۴۰۳/۰۴۵	بین گروه ها	بهداشتی و درمانی
		۵/۷۸۰	۳۷۶	۲۱۷۳/۴۱۹	درون گروه ها	
		۳۷۸		۲۵۷۶/۴۶۴	کل	
۰/۰۰۰	۲۰/۴۶۷	۸۰/۱۵۲	۲	۱۶۰/۳۰۳	بین گروه ها	فرهنگی و مذهبی و ورزشی تفریحی
		۳/۹۱۶	۳۷۶	۱۴۷۲/۴۸۹	درون گروه ها	
		۳۷۸		۱۶۳۲/۷۹۲	کل	
۰/۰۰۰	۲۲/۱۳۷	۱۳۴/۱۳۴	۲	۲۶۸/۲۶۸	بین گروه ها	اداری و انتظامی
		۶/۰۵۹	۳۷۶	۲۲۷۸/۲۶۵	درون گروه ها	
		۳۷۸		۲۵۴۶/۵۳۳	کل	

۰/۰۰۰	۴۶/۵۲۶	۲۰۸/۸۰۲	۲	۴۱۷/۶۰۴	بین گروه ها
	۴/۴۸۸	۳۷۶		۱۶۸۷/۴۳۶	مالی و تجاری
		۳۷۸		۲۱۰۵/۰۴۰	کل

از آنجایی که آزمون آنووا، یک آزمون آماری کلی نگر است. فقط اطلاعاتی را به ما می‌دهد که حداقل بین دو ناحیه از لحاظ کارکردی، اختلاف معناداری وجود دارد؛ لذا در گام سوم، جهت تعیین اینکه کدام ناحیه، از نظر کارکردی، اختلاف معناداری با دیگر نواحی دارد، از آزمون تعقیبی توکی (Tukey) استفاده شد. این آزمون نشان می‌دهد، هر چه عدد به دست آمده از سطح معناداری ۰/۰۵ کمتر باشد بین نواحی اختلاف، و هر چه از عدد مذکور بزرگتر باشد، میانگین دو ناحیه به هم نزدیکتر است و دو ناحیه با هم تفاوت معناداری ندارند. با توجه به آزمون مذکور، سطح معناداری (Sig)، کارکرد آموزشی، بین ناحیه دشت شمالی با جلگه میانی و کوهستانی جنوب و برعکس، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد این امر نشان می‌دهد، بین میانگین کارکرد آموزشی ناحیه دشت شمالی، با دو ناحیه دیگر اختلاف وجود دارد؛ اما چون سطح معناداری بین ناحیه جلگه میانی و کوهستانی جنوب (۰/۷۱۹) و بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشانگر این است که تفاوت معناداری از لحاظ میانگین بین این دو ناحیه در کارکرد آموزشی وجود ندارد و میانگین آنها به هم نزدیک است.

از لحاظ کارکرد (فرهنگی، مذهبی، ورزشی و تفریحی)، چون سطح معناداری بین دو ناحیه دشت شمالی و جلگه میانی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان می‌دهد، این دو ناحیه با هم تفاوت معناداری دارند. اما بین ناحیه دشت شمالی با کوهستانی جنوب و ناحیه جلگه میانی با کوهستانی جنوب به ترتیب با سطح معناداری (۰/۵۰۱ و ۰/۴۵۴) که بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان می‌دهد، این کارکرد در نواحی مذکور با هم تفاوت معناداری از لحاظ میانگین ندارند و میانگین آنها به هم نزدیک است.

از لحاظ کارکرد (بهداشتی-درمانی)، (اداری-انتظامی) و (مالی-تجاری)، چون سطح معناداری (Sig)، هر سه کارکرد در بین نواحی سه گانه (ناحیه دشت شمالی با جلگه میانی و کوهستانی جنوب) در مقایسه با هم کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان می‌دهد، میانگین کارکردهای مذکور در این نواحی با هم اختلاف معناداری دارند و بین این نواحی از لحاظ میانگین کارکردی، تفاوت آشکاری وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴. سنجش تغییرات کارکردی در بین شهرهای کوچک نواحی سه گانه از آزمون تعقیبی توکی (Tukey)

کارکردها	(I) ناحیه	(J) ناحیه	تفاوت میانگین ناحیه (I-J)	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد بالا	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پایین
آموزشی	دشت شمالی	ناحیه جلگه میانی	*۱/۸۴۷۴۱	۰/۱۹۱۲۵	۰/۰۰۰	۲/۲۹۷۴	۱/۳۹۷۴
		ناحیه کوهستانی جنوب	*۲/۲۵۱۲۵	۰/۵۳۰۸۴	۰/۰۰۰	۳/۵۰۰۳	۱/۰۰۲۲
	جلگه میانی	ناحیه دشت شمالی	*-۱/۸۴۷۴۱	۰/۱۹۱۲۵	۰/۰۰۰	-۱/۳۹۷۴	۲/۲۹۷۴
		ناحیه کوهستانی جنوب	۰/۴۰۳۸۵	۰/۵۲۱۲۸	۰/۷۱۹	۱/۶۳۰۴	-۰/۸۲۲۷
بهداشتی	کوهستانی جنوب	ناحیه دشت شمالی	*-۲/۲۵۱۲۵	۰/۵۳۰۸۴	۰/۰۰۰	-۱/۰۰۲۲	-۳/۵۰۰۳
		ناحیه جلگه میانی	-۰/۴۰۳۸۵	۰/۵۲۱۲۸	۰/۷۱۹	۰/۸۲۲۷	-۱/۶۳۰۴
	دشت شمالی	ناحیه جلگه میانی	*-۱/۷۴۵۱۰	۰/۲۶۱۰۸	۰/۰۰۰	-۱/۱۳۰۸	-۲/۳۵۹۴
		ناحیه کوهستانی جنوب	*۲/۴۱۷۲۹	۰/۷۲۴۶۸	۰/۰۰۳	۴/۱۲۲۵	۰/۷۱۲۱
تجاری	جلگه میانی	ناحیه دشت شمالی	*۱/۷۴۵۱۰	۰/۲۶۱۰۸	۰/۰۰۰	۲/۳۵۹۴	۱/۱۳۰۸
		ناحیه کوهستانی جنوب	*۴/۱۶۹۳۲	۰/۷۱۱۶	۰/۰۰۰	۵/۸۳۶۹	۲/۴۸۷۹
	کوهستانی جنوب	ناحیه دشت شمالی	*-۲/۴۱۷۲۹	۰/۷۲۴۶۸	۰/۰۰۳	-۰/۷۱۲۱	-۴/۱۲۲۵
		ناحیه جلگه میانی	*-۴/۱۶۲۳۹	۰/۷۱۱۶۲	۰/۰۰۰	-۲/۴۸۷۹	-۵/۸۳۶۹

فرهنگی	دشت شمالی	ناحیه جلگه میانی	*۱/۳۷۹۷۲	۰/۲۱۴۹۰	۰/۰۰۰	۰/۸۶۷۱	۱/۸۷۸۵
		ناحیه کوهستانی جنوب	۰/۶۶۹۸۰	۰/۵۹۶۴۹	۰/۵۰۱	-۰/۷۳۳۷	۲/۰۷۳۳
	جلگه میانی	ناحیه دشت شمالی	*-۱/۳۷۲۷۹	۰/۲۱۴۹۰	۰/۰۰۰	-۱/۸۷۸۵	-۰/۸۶۷۱
		ناحیه کوهستانی جنوب	-۱/۷۰۲۹۹	۰/۵۸۵۷۳	۰/۴۵۴	-۲/۰۸۱۲	۰/۶۷۵۳
	کوهستانی	ناحیه دشت شمالی	-۰/۶۶۹۸۰	۰/۵۹۶۴۹	۰/۵۰۱	-۲/۰۷۳۳	۰/۷۳۳۷
	جنوب	ناحیه جلگه میانی	۰/۷۰۲۹۹	۰/۵۸۵۷۳	۰/۴۵۴	-۰/۶۷۵۳	۲/۰۸۱۲
	دشت شمالی	ناحیه جلگه میانی	*۱/۳۷۲۷۶	۰/۲۶۷۳۱	۰/۰۰۰	۰/۷۴۳۸	۲/۰۰۱۷
		ناحیه کوهستانی جنوب	*۳/۹۳۰۴۵	۰/۷۴۱۹۵	۰/۰۰۰	۲/۱۸۴۶	۵/۶۷۶۳
	جلگه میانی	ناحیه دشت شمالی	*-۱/۳۷۲۷۶	۰/۲۶۷۳۱	۰/۰۰۰	-۲/۰۰۱۷	-۰/۷۴۳۸
	اداری	ناحیه کوهستانی جنوب	*۲/۵۵۷۶۹	۰/۷۲۸۵۸	۰/۰۰۱	۰/۸۴۳۳	۴/۲۷۲۱
تجاری	کوهستانی	ناحیه دشت شمالی	*-۳/۹۳۰۴۵	۰/۷۴۱۹۵	۰/۰۰۰	-۵/۶۷۶۳	-۲/۱۸۴۶
	جنوب	ناحیه جلگه میانی	*-۲/۵۵۷۶۹	۰/۷۲۸۵۸	۰/۰۰۱	-۴/۲۷۲۱	-۰/۸۴۳۳
	دشت شمالی	ناحیه جلگه میانی	*-۱/۹۱۵۲۰	۰/۲۳۰۰۵	۰/۰۰۰	-۲/۴۵۶۵	-۱/۳۷۳۹
		ناحیه کوهستانی جنوب	*۱/۸۰۷۰۲	۰/۶۳۸۵۴	۰/۰۱۴	۰/۳۰۴۵	۳/۳۰۹۵
	جلگه میانی	ناحیه دشت شمالی	*۱/۹۱۵۲۰	۰/۲۳۰۰۵	۰/۰۰۰	۱/۳۷۳۹	۲/۴۵۶۵
	تجاری	ناحیه کوهستانی جنوب	*۳/۷۲۲۲	۰/۶۲۷۰۳	۰/۰۰۰	۲/۲۴۶۸	۵/۱۹۷۶
	کوهستانی	ناحیه دشت شمالی	*-۱/۸۰۷۰۲	۰/۶۳۸۵۴	۰/۰۱۴	-۳/۳۰۹۵	-۰/۳۰۴۵
	جنوب	ناحیه جلگه میانی	*-۳/۷۲۲۲	۰/۶۲۷۰۳	۰/۰۰۰	-۵/۱۹۷۶	-۲/۲۴۶۸

بعد از اینکه آزمون آن‌ها نشان داد، اختلاف معناداری بین نواحی سه گانه از لحاظ شاخص‌های کارکردی وجود دارد. در گام چهارم، برای رتبه بندی این شاخص‌ها، از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن؛ آزمونی است که میانگین رتبه‌ای هر شاخص را در بین شهرهای کوچک نواحی سه گانه، نمایش می‌دهد. بر اساس این آزمون، بالاترین سطح میانگین رتبه‌ای در کارکرد آموزشی، فرهنگی-مذهبی و اداری-انتظامی به ترتیب با میانگین (۵/۳۶، ۵/۷۹، ۳/۲۵) مربوط به ناحیه دشت شمالی، در کارکرد بهداشتی-درمانی و مالی-تجاری به ترتیب با میانگین (۴/۸۵ و ۳/۳۱) مربوط به ناحیه جلگه میانی می‌باشد جدول (۵).

جدول ۵. نتایج رتبه‌بندی کارکردی نواحی سه گانه با استفاده از آزمون فریدمن

ناحیه دشت شمالی			ناحیه جلگه میانی			ناحیه کوهستانی جنوب		
آماره	سطح	میانگین	آماره	سطح	میانگین	آماره	سطح	میانگین
آزمون	معناداری	رتبه‌ای	آزمون	معناداری	رتبه‌ای	آزمون	معناداری	رتبه‌ای
آموزشی		۳/۲۵			۲/۱۸			۳/۱۳
بهداشتی		۳/۸۰			۴/۸۵			۳/۶۷
فرهنگی	۸۲۰/۴۲	۰/۰۰۰	۵/۷۹	۸۳۱/۸۹	۰/۰۰۰	۴۷/۳۰	۰/۰۰۰	۵/۱۵
اداری		۵/۳۶			۴/۹۳			۴/۵۴
تجاری		۲/۵۲			۳/۳۱			۲/۷۵

رتبه‌بندی آزمون فریدمن، در بین شهرهای کوچک نوپا نواحی سه گانه نشان می‌دهد، در شاخص آموزشی، شهرهای کوچک (مراوه و سیمین شهر) در ناحیه دشت شمالی به ترتیب با میانگین (۱۰/۳۲، ۱۰/۴۶) دارای بالاترین رتبه، و شهر (مزرعه) با میانگین (۷/۱۸) دارای پایین‌ترین رتبه، در شاخص بهداشت و درمان شهر کوچک (فاضل آباد) در ناحیه جلگه میانی با میانگین (۱۴/۱۶)، دارای بالاترین رتبه، و شهر نوده خاندوز با میانگین (۸/۵) دارای پایین‌ترین رتبه، در

شاخص فرهنگی، مذهبی، ورزشی و تفریحی، شهر کوچک (مراوه) در ناحیه دشت شمالی با میانگین (۱۴/۶۱)، دارای بالاترین رتبه، و شهر جلین با میانگین (۱۱/۵۰)، دارای پایین‌ترین رتبه، در شاخص اداری-انتظامی، شهرهای کوچک (مراوه و اینچه‌برون) در ناحیه دشت شمالی با میانگین (۱۶/۹۲ و ۱۶/۷۱)، دارای بالاترین رتبه، و شهر سنگدوین با میانگین (۱۰/۲۰)، دارای پایین‌ترین رتبه، در شاخص مالی-تجاری، شهر کوچک (فاضل آباد) با میانگین (۲۱/۱۲) دارای بالاترین میانگین، و شهر فراغی با میانگین (۶/۳۰)، دارای پایین‌ترین میانگین رتبه‌ای در بین شهرهای کوچک نوپا می‌باشند جدول (۶).

جدول ۶: نتایج رتبه‌بندی کارکردی شهرهای کوچک نوپا با استفاده از آزمون فریدمن

ناحیه دشت شمالی															ناحیه جلگه میانی				
کارکرد	رتبه	انبارالعموم	سپهرسین	اینچه برون	مرد	مقاومت	ز.ن.	تخریب‌ناک	فرق	فاضل آباد	مزرعه	سنگدوین	ناثا علیا	زنگین شهر	نوده خاندوز				
آموزشی	۱	---	---	---	---	---	۸/۱	---	---	۸/۳	۷/۲	۸/۱	۷/۶	۷/۷	۷/۶				
	۲	۹	---	۸/۹	---	۹	---	---	---	---	---	---	---	---	---				
	۳	---	۱۰/۳	---	۱۰/۵	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---				
بهداشت	۱	۹/۷	---	۸/۸	---	۸/۸	---	---	---	---	---	---	---	---	۸/۵				
	۲	---	---	---	---	---	---	---	---	---	۱۰/۵	---	۱۰/۲	---	---				
	۳	---	۱۱/۴	---	---	---	---	---	---	---	---	۱۱/۷	---	۱۱/۳	---				
	۴	---	---	---	۱۳/۳	---	۱۲/۸	۱۳	۱۲/۸	---	---	---	---	---	---				
	۵	---	---	---	---	---	---	---	---	۱۴/۲	---	---	---	---	---				
فرهنگی	۱	---	---	---	---	۱۱/۹	۱۱/۵	---	---	---	---	---	۱۱/۶	---	---				
	۲	---	---	۱۲/۳	---	---	---	۱۲	۱۲/۲	۱۲/۶	۱۲/۷	۱۲/۸	۱۲	---	۱۲/۹				
	۳	۱۳/۵	۱۳/۹	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---				
	۴	---	---	---	۶	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---				
اداری	۱	---	---	---	---	---	---	---	۱۱/۶	---	---	۱۰/۲	۱۰/۴	---	۱۰/۳				
	۲	۱۲/۷	---	---	---	۱۲/۵	۱۲/۶	۱۲/۵	---	---	۱۲	---	---	۱۲/۱	---				
	۳	---	۱۳/۸	---	---	---	---	---	---	۱۴/۹	---	---	---	---	---				
	۴	---	---	۱۶/۷	۱۶/۹	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---				
تجاری	۱	۷/۸	---	۷/۸	---	۶/۳	---	---	---	---	---	---	۷/۸	---	۶/۷				
	۲	۸/۷	---	---	---	---	---	---	---	---	۸/۸	۹/۲	---	۸/۹	---				
	۳	---	---	---	---	---	۱۰/۶	۱۰/۲	---	---	---	---	---	---	---				
	۴	---	---	---	---	---	---	---	---	۱۲/۲	---	---	---	---	---				

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل موثر در تعیین پیچیدگی سکونتگاه‌های شهری، تعداد خدمات موجود در این نقاط می‌باشد. بدیهی است، هر چه تعداد این خدمات در یک سکونتگاه بیشتر باشد، پیچیدگی عملکردی آن نیز بالاتر خواهد بود. شهرهای کوچک با خدمات بیشتر و متنوع‌تر، علاوه بر رفاهی که برای خود به دنبال دارند، می‌توانند بعنوان مکان مرکزی عمل نموده و به سایر روستاها خدمات دهند. اگر به نحوه توزیع یا پراکنش کارکرد شهرهای کوچک نوپا، در نواحی سه‌گانه توجه شود؛ به سادگی می‌توان دریافت، کارکردها عمدتاً به صورت نامنظم و نابرابر توزیع شده است. از لحاظ کارکرد آموزشی، شهرهای کوچک ناحیه دشت شمالی با میانگین (۳/۲۵)، دارای بالاترین رتبه در بین نواحی سه‌گانه، می‌باشد.

عوامل گوناگونی از جمله: افزایش نرخ باسوادی، به طوری که نرخ باسوادی در این ناحیه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ تغییر محسوسی را تجربه کرد و از ۷۳/۲ به ۸۲/۹ درصد افزایش یافت. در کنار افزایش رغبت خانواده‌ها برای ادامه تحصیل به خصوص در بخش زنان، وجود ۹ حوزه علمیه در این ناحیه در رشد کارکرد آموزشی تأثیرگذار بود.

از لحاظ کارکرد بهداشتی-درمانی، ناحیه جلگه میانی با وجود ۲۰ مرکز بهداشتی درمانی، ۱۴ پزشک عمومی و متخصص، ۱۲ داروخانه خصوصی و شبانه روزی ۳ آزمایشگاه، ۲ داروخانه دامی، با میانگین ۴/۸۵ دارای بالاترین میانگین می باشد. با وجود اینکه این شهرها در نزدیکی شهرهای بزرگ مانند گرگان، علی آباد و آزاد شهر، که دارای خدمات برتر و پیشرو در بهداشت و درمان هستند، قرار دارند؛ ولی باز هم از لحاظ کارکرد بهداشتی-درمانی نسبت به دو ناحیه دیگر موقعیت مناسبتری دارند.

از لحاظ کارکرد خدمات فرهنگی- مذهبی، ناحیه دشت شمالی با میانگین (۵/۷۹) دارای بالاترین رتبه در بین نواحی سه گانه می باشد. از آنجایی که تنوع لازم در خصوص کاربری‌های فرهنگی در این ناحیه به چشم نمی خورد اما فعالیت‌های فرهنگی- مذهبی بیشتر در مساجد صورت می پذیرد و مراکز مجزایی برای ارائه خدمات فرهنگی در شهر در نظر گرفته نشده است. با این وجود نهادینه بودن مراسم مذهبی در این شهرها، و همچنین غالبیت قومیت ترکمن با اعتقادات مذهبی بالا در این ناحیه، باعث شد کارکرد فرهنگی مذهبی بالاترین میانگین را در بین تمام کارکردها بدست آورد.

از آنجایی که کارکرد اداری-انتظامی با نیازهای روزمره و حیاتی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در ارتباط می باشد. تعداد این سازمان‌ها و ادارات با توجه به جایگاه سیاسی هر شهر متفاوت است. در بین نواحی سه گانه، ناحیه دشت شمالی با میانگین (۵/۸)، دارای بالاترین رتبه می باشد. مهمترین ویژگی کارکرد اداری-انتظامی در این ناحیه، این مطلب می باشد که تمام شهرهای کوچک، به عنوان مرکز بخش محسوب می شوند و به غیر از شهر فراغی، همه این شهرها دارای پاسگاه انتظامی هستند، و مهمتر از همه اینکه تمام سطوح کارکرد اداری-انتظامی در شهر مراوه به علت مرکز شهرستان و بخش بودن، وجود دارد.

از لحاظ خدمات مالی-تجاری، که به عنوان گسترده ترین نوع خدمات می باشد، ناحیه جلگه میانی با میانگین ۳/۳۱ دارای بالاترین رتبه می باشد که یکی از مهمترین دلیل آن قرارگیری شهرهای کوچک (جلین، قرق، فاضل آباد) در حاشیه جاده اصلی گرگان- مشهد و وجود شهرهای کوچک (سرخنکلاته، مزرعه، سنگدوین، تاتارعلیا و نگین شهر) با فاصله اندک از این کریدور، می باشد. این پتانسیل باعث شد، مراودات مالی-تجاری نسبت به دیگر نواحی، در این ناحیه افزایش یابد به نحوی که شهر فاضل در این ناحیه، به تنهایی ۲۴ درصد موسسات مالی و ۱۸/۸ درصد موسسات تجاری شهرهای کوچک نوپا استان را بر عهده دارد.

شهر نوده خاندوز به عنوان تنها شهر ناحیه کوهستانی جنوب، با وجود مرکز بخش، موقعیت بین راهی استان گلستان- سمنان و همچنین داشتن موقعیت ممتاز گردشگری، نتوانست تغییرات کارکردی مناسب را تجربه کند که مهمترین دلیل آن، نداشتن خدمات برتر در شهر و جمعیت کم (۲۹۸۹) این شهر می باشد. بنابراین می توان گفت در مقیاس ناحیه ای، شهرهای کوچک (مراوه) در ناحیه دشت شمالی و (فاضل آباد) در ناحیه جلگه میانی و با کمی فاصله، شهر (سیمین شهر) در ناحیه دشت شمالی، از غالب کارکرد شهری با سطح اثرگذاری محلی، فراشهری و بعضاً منطقه ای برخوردار هستند. بقیه شهرهای کوچک به علت تازه تاسیس، کوچک بودن، جمعیت کم و فاصله نزدیک با مرکز شهرستان که خدمات برتر در آنجا قرار دارد، در این برهه از زمان موفقیت زیادی را کسب نکردند. اما همین شهرها، این قابلیت را دارند که با تامین خدمات مورد نیاز شهروندان و روستاهای اطراف، موقعیت خود را در کارکردهای شهری استحکام بخشند. نتایج کلی پژوهش، بر اساس یافته های توصیفی و استنباطی نشان می دهد، ابعاد کارکردی با توجه به موقعیت مکانی-فضایی شهرهای کوچک نواحی سه گانه استان، مثبت و معنادار بوده و پیامدهای متفاوتی بر جا گذاشته است. بدین ترتیب مقایسه نتایج این پژوهش، با یافته های مطالعات دیگران نشان می دهد؛ اکثر مطالعات شهرهای کوچک بر روی نقش محلی این شهرها متمرکز شده اند غافل از اینکه ایفای نقش مثبت شهرهای کوچک در توسعه

روستایی، و ارتباط با شهرهای بزرگ و متوسط، در گرو توجه جدی به مشکلات این شهرها در توسعه ناحیه‌ای و منطقه‌ای است؛ بنابراین نتایج ذکر شده نه تنها تکمیل کننده یافته‌های تحقیقات پیشین، بلکه از وجوه متمایز با آنها نیز محسوب می‌گردد. شایان ذکر است که این پژوهش با بخش‌های از نتایج یافته‌های هاردوی و ساتر وایت (۱۹۸۶)، بوگدانسکس و پانوش (۲۰۲۲)، ماژوسکا (۲۰۲۲)، فنی (۱۳۷۵)، ملکی و همکاران (۱۳۹۴) و قادر مرزی و رحمانی (۱۳۹۸)، همسویی دارد. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود: دولتمردان و برنامه‌ریزان، شرایط ویژه‌ی، چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ زیر ساختی، برای تقویت قابلیت‌های محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای در بین شهرهای کوچک فراهم کنند تا زمینه مطلوب برای تقویت و گسترش ابعاد کالبدی-فضایی، اقتصادی و اجتماعی در اینگونه شهرها فراهم شود تا از این طریق بتوان جایگاه واقعی خود را در توسعه شهری منطقه‌ای بدست آورد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان، بررسی تطبیقی کارکرد شهرهای کوچک نوپا با تاکید بر موقعیت مکانی-فضایی: نمونه موردی استان گلستان می‌باشد که در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از آن دفاع شده است.

منابع

- احمدیان، رضا، محمدی، حمید، ۱۳۹۰، بافت‌شناسی روستایی کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول.
- امیرانتخابی، شهرام، ۱۳۹۴، تحول کالبدی فضایی روستاهای ساحلی گیلان (مطالعه موردی: حوزه زیباکنار) فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، سال دوم، شماره ۴.
- آمار، تیمور، ۱۳۹۴، تحلیل تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان به منظور تدوین الگوی توسعه کالبدی، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی، دوره دوم، شماره ۴.
- آمار، تیمور، ۱۳۸۵، بررسی و تحلیل گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار، مطالعه سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱، شماره ۱۰.
- آمار، تیمور، ۱۳۸۸، تحلیل جغرافیایی گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی بعد از انقلاب اسلامی، مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۹.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و اسماعیل قادری، ۱۳۸۱، نقش گردشگری روستایی در توسعه روستایی: نقد و تحلیل چهارچوب های نظریه‌های، فصلنامه مدرس - علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۲.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۲، بررسی روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستای شمال تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۷، توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران؛
- عناستانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، فرآیند شکل‌گیری خانه‌های دوم روستایی و عوامل موثر بر آن، مطالعه موردی: روستاهای ییلاقی غرب مشهد، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۱۰۷.
- علیق‌زاده فیروزجانی، ناصر و قدمی، مصطفی و رمضان‌زاده، مهدی، ۱۳۸۹، نگرش و گرایش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان کلیجان، شهرستان تنکابن، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱.
- بدری سیدعلی، رحمانی خلیل، سجاسی‌قیداری مجید حسن پور امید، ۱۳۹۰، راهبردهای توسعه اکوتوریسم در شهرستان مریوان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، تابستان ۱۳۹۰، دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۶).
- تجلی، سید آیت الله، ۱۳۸۱، مروری بر برنامه‌های توسعه، سیمای اقتصادی، شماره ۱۷۶.
- دیری معصوم، مجتبی نجفی کانی علی اکبر، ۱۳۸۲، برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آنها بر نواحی روستایی، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۵، شماره ۴۴.
- زیاری، کرامت ا...، ۱۳۸۷، جایگاه و نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای در روند برنامه‌ریزی، انتشارات سمت.

- سیدی مهسا خواجه شاهکوهی علیرضا، بزی خدارحم ۱۳۹۷، موانع و محدودیت‌های توسعه پایدار گردشگری در شهر ساحلی تنکابن، آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۸، شماره ۲۷.
- شریف‌زاده، ا. مراد نژاد، ۱۳۸۱، توسعه پایدار و گردشگری روستایی. ماهنامه جهاد، سال ۲۳ شماره ۱۵۹.
- ظاهری، محمد، ۱۳۹۱، ارزیابی سیاست‌های کلان مسکن در برنامه‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی ایران، مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۲.
- جعفری، حمید، سیده محدثه حاتمی شاه خالی، ۱۳۹۵، نقش گردشگری در تحولات کالبدی کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان لاهیجان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره پیاپی ۲۳.
- عظیمی، جلال و قنبری، ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی توسعه گردشگری با رویکرد آمایش سرزمینی در شهر ساحلی سرخورد، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۲۲، شماره ۱.
- علیزاده، کتایون ۱۳۸۲. اثرات حضور گردشگران بر منابع زیست محیطی (بخش طبقه در شهرستان، مشهد)، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱۱.
- عنابستانی، علی اکبر و وزیری، سعید، ۱۳۹۰، تحلیل آثار اجتماعی و کالبدی ICT در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرگان) پژوهش‌های روستایی ۲.
- عنابستانی، علی اکبر و حسن اکبری، ۱۳۹۱، ارزیابی هادی و نقش آن در توسعه کالبدی روستا از دیدگاه روستائیان، مورد مطالعه شهرستان جهرم، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی.
- فیروزنیا، قدیر، افتخاری، عبدالرضا و بدری، سید علی، ۱۳۸۹، چشم‌انداز و نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
- قدیری معصوم، مجتبی، مهدی چراغی و محمد رضا رضوانی، ۱۳۹۴، اثرات روابط اقتصادی شهر و روستا بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی (مورد: شهرستان زنجان)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴.
- کاظمی، مهرداد، (۱۳۸۵)، مدیریت گردشگری، انتشارات سمت، تهران.
- محلاتی، صدرالدین، (۱۳۸۰)، درآمدی بر جهانگردی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مهدوی، داود، (۱۳۸۲)، نقش توریسم در توسعه نواحی روستایی پیرامون شهرها و ارائه مدل استراتژیک (نمونه، موردی: دهستان لواسان کوچک)، به راهنمایی دکتر افتخاری.
- مهدوی، مسعود، ۱۳۸۲، جغرافیای روستای ایران، انتشارات سمت.
- Akkoyunlu, Sule(2015),the potential of Rural-Urban Linkages for SustainableDevelopment and trade,International Journal of Sustainable Development & World Policy
- Bogdanski, M.(2021). Changes in the functional structure of small towns in the least developed regions of Poland. Human Geographies. Vol. 15, No. 2.
- Bogdanski, M. Janusz, M (2021). Small Towns' Functions as a Determinant of the Standard of Living in Rural Areas—An Example from Poland. Sustainability. , No. 14.pp1-21
- Courtney. P, Mayfield. L, Tranter. R, Jones., & P, Errington. A,(2007), Small towns as'sub poles' in English rural development:Investigating rural-urban linkages using sub-regional social accounting ,www.elsevier.com/locate/geoforum
- Hardoy, J E, Satterthwaite ,D(1986) Small and Intermediate Centres: Their Role in National and Regional Development in Third World, Hodder &Stoughton, London and Westview, Boulder, CO
- Long, Hualou(2011): Anslysis of rural transformation development in China since the turn of the new millennium, Applied Geography, 31.
- Majewska ,A. Denis,M. Krzysztofik,S. Monika Maria, C.(2022). The development of small towns and towns of well-being: Current trends, 30 years after the change in the political system, based on the Warsaw suburban area: Land Use Policy ,volume115.pp1-12
- Puwen, K. (2008). Role of small centers and development, a case study: Indonesia. cambon university, 31(6), pp.79-86.
- Valtenbergs Visvaldis, González Ainhoab, Piziks Ralfs(2013): "Selecting indicators for sustainable development of small towns:The case of Valmiera municipality", ICTE in Regional Development, December, Valmiera, Latvia, Procedia Computer Science 26 (2013) 21 – 32